



۲۰۱۸/۰۹/۱۸

عارف عباسی

آیا روز پرسان خواهد آمد؟

اگر صفحات کتاب غم انگیز گذشته ها را رو گردان نکرده وقایع، رویدادها، و گزارشات کودتا ها و دوران تنظیمی ها و طالبان و عواقب هر یک را، گر چه فراموش ناشدنی است، که بیان زندگی ملتی است و در طول این مدت به جز رنج، غم، مصیبت، هراس و خشونت چیزی ندیده، برای لحظه ای کنار بگذارم و آنچه از سال ۲۰۰۱ بدین سو بر این وطن و مردمش گذشت در محراق توجه قرار دهم. به صراحت، وضاحت و مستند باید گفت که در حق این ملت نه تنها ظلم بی حد صورت گرفته بلکه خیانت عمدی و علنی انجام یافته است.

با حيله ها، تزوير ها، صحنه سازی ها، ریا کاری ها، رنگ آمیزی ها و دروغ گویی ها این ملت که بسی توقعات و انتظارات داشت فریب داده شده و برایش پیهم مصیبت آفریده شده که تا امروز با آن دست و پنجه نرم کرده ره برون رفت نمی یابد.

به طور بی سابقه بلیون ها دالر به دامن این وطن ریخت، با منفی کردن حق مولا، کمیشن و ته جایی کمک کنندگان، اگر یک بر ده این کمک ها برای ارتقای سطح زندگی مردم و عمران و آبادانی مملکت مصرف می شد امروز افغانستان سر و صورت دیگری می داشت.

ولی دردا و حسرتا! همان گونه که ریزش باران کمک بی سابقه بود به همان پیمانہ چور، چپاول، غارت و سرقت این کمک ها در جهان نظیر نداشت. با کمال بی حیایی، پر رویی، دیده درایی و بی هراسی از هرنوع پرسان و بازخواست این جنایات صورت گرفت.

هیچ مداران شناخته شده شب در میان خود، وابستگان و اقارب شان ملیونر شده حسابات بانکی در خارج و صاحب ویلا ها در دویی شده و قصر و برج و باروی شان در داخل چربوی سر شکمبه بود.

گرچه امریکا بر بنیاد سیاست خاص خود تهداب چنین شرائط را گذاشت و از کرم های لب جو ازدها ساخت ولی شخصی به نام حامد کرزی این رسم فساد را به گونه فرهنگ متداول گسترش بخشید و به مفسدین هم مقام داد و هم منصب و هم جواز غارت دارایی عامه و گفت هرچه می خواهید انجام دهید تا وقتی که پهلوی من ایستاده اید و از من حمایت می کنید.

مؤسسات چون مبارزه با فساد اداری، دفاع از حقوق بشر، جامعه مدنی و سازمان دفاع از حق زن و تأمین عدالت اجتماعی همه نام نهاد، دروغین و فاقد هرگونه صلاحیت اجرایی بودند.

نظامی ایجاد شد که صادقی به ذره بین پیدا نبوده رئیس جمهور، معاونینش، وزرایش، والیان و قاضی و مفتی و خرنوال قوماندان امنیه هر جنرال دگر و ستر و تورن و بریدش و حتی داکتر و درملتون والایش یا خود دزد بودند و یا همکار دزدان.

با ثروت اندوزی کسانی که در تموز کلوش می پوشیدند و در فقر می زیستند بازار تجمل پرستی رونق یافت تفاوت زمین تا آسمان در خوراک، پوشاک، اماکن زیست و وسایل عیش و عشرت شان پدیدار گشت.

جمعیت دیگری با موجودیت ۳۵۰۰۰ سپاه خارجی و گشایش هزاران دفتر مختلف NGO و غیره، ظاهراً به نام خدمات بشری و در واقعیت برای بهره برداری های گوناگون، به حیث مأمور، ترجمان، موتران، آشپز و پیش خدمت و یا محافظین امنیتی خصوصی استخدام شده و درآمدی پیدا نمودند که مسلماً هر دو عامل سطح تقاضا را بلند برده رفع احتیاجات به شمول مواد خوراکه از منابع داخلی میسر نبوده باعث رونق عجیب تجارت گردید و آن هم تجارت وارداتی به امتعه استهلاکی که مقادیر بلین دالری نصیب چین، هندوستان و پاکستان و ایران گردید، تنها صادرات پاکستان سالانه به ۵ بلین دالر ارتقاء یافت. این حجم بی سابقه واردات عواید گمرکاتی را بلند برده و منفی دزدی ها قلم عمده عواید دولت را می ساخت. اما این سراب فریبنده بوده تأثیر مؤثری در انکشاف اقتصاد ملی نداشت و این عواید مطابق اصول اقتصاد برای انکشاف اقتصاد ملی مسیر نیافت، با خروج سپاه خارجی و بسته شدن هزاران دفتر به ده ها هزار افغان بی کار و صدها تشبثی که برای خدمات ایجاد شده بود بسته و درب هزاران خانه کرایه مسدود شد. هزاران جوان مستعد به کار بیکار شده و برای امرار معیشت با مصرف ده ها هزار دالر با زن و اولاد خود با قبول خطرات به روی ناچاری آهنگ پناه گزینی در اروپا نمودند که عده زیادی در دریا ها غرق و دیگران روانه زندان ها شده و بقیه با از دست دادن جند عضو فامیل قبول نشده مسترد گردیدند.

می گویند که در سابق کار نشد و مملکت در عقب افتادگی و فقر عمداً نگهداشته شد.

نه به حیث پیر مرد قدیم و کارمند پیشین مگر بر اساس واقعیت، من فهرست ده ها پروژه بزرگ انکشافی را از دهه ۵۰ تا اواخر دهه ۷۰ در هر ساحه خدمت تقیم می نمایم که با عواید منابع ملی و قرضه ها و کمک های ناچیز ممالک خارجی و مؤسسات بین المللی اکمال گردید.

من اسناد مؤثق و مستندی دارم که توسط متخصصین اهل فن تهیه شده که شرح هر یک ایجاب بحث جداگانه را نموده در این مختصر نمی گنجد. در مجموع تعداد ۱۰۱ دستگاه بزرگ صنعتی توسط دولت و صدهای دیگر توسط تشبثات خصوصی تأسیس گردیده فعالیت داشتند و در حدود ۳۵۰۰۰۰ کارگر مشغول کار بودند. در ساحه زراعت می توان از پروژه های بزرگ وادی هلمند، آبیاری دهله، پروژه کجکی، کانال ننگرهار، هده، سرده و پروان و ده های دیگر یاد کرد. تشکیل قوای کار و قوای سبز از ابتکارات دوره صدارت شهید محمد داوود خان بود که در پروژه شاهرای سالنگ ۲۵۰۰۰ نفر کار می کرد.

حالا مرور گذرا بر دست آورد هر ساحه اقتصادی و اجتماعی در این هژده سال می نمایم:

۱- تجارت:

از زمان شتر کجاوه تا امروز همان چند خوشه انگور و چند کواره انار کشمش پسته و خسته و گیاه های طبیعی به نیم قاره هند می رود. نه تنها در تجارت و صادرات ما کدام قلمی افزوده نشده بلکه صادرات گاز طبیعی و نفت خام از بین رفته، قالین بافان ماهر ما یا پاکستان رفته و یا ترکیه صنعت قالین اگر کاملاً از بین نرفته قالین افغانستان بازار ندارد. صنایع عنعنوی گُرک، برک و ابریشم محو و در صادرات وجود ندارد و قره قل بازار ندارد. در تجارت خارجی میان واردات و صادرات توازی وجود ندارد و نشانه برای تغییر به چشم نمی خورد.

۲- صنایع:

به استثنای سرمایه گذاری هایی توسط تجار ملی در ایجاد بعضی صنایع کوچک (که در اثر بی توجهی حکومت و بهانه رقابت بازار آزاد از بین رفت) من معلوماتی در مورد ایجاد یک کارگاه بزرگ صنعتی در این مدت ندارم. در مورد صنایعی که تا حال زیر بناهای آن موجود است که در اثر جنگ ها ویران شده و با مصارف قلیل قابل فعالیت و احیای مجدد بودند توجه صورت نگرفت. تعداد آن به صدها می رسد.

۳- زراعت:

از لحاظ شمول فیصدی بیشتر مردم برای امرار معیشت و تولیدات اقلام مهم صادراتی این ساحه ستون فقرات اقتصاد افغانستان را تشکیل می دهد نه در توسعه ساحه کشت با آبیاری اراضی صالح الزراعه و نه ارتقای سطح تولید و بالا بردن کیفیت تولیدات توجه لازم مبذول نشده نه منابع جدید آبیاری اعمار و نه سیستم های عنعنوی اصلاح و ترمیم شد و موضوع اقتصاد آب و جلوگیری از ضایعات آب با ایجاد شبکه های بهتر و تخنیک توجیه صورت نگرفته و تسهیلات و امکانات برای تقویه مالی زارعین و مالداران برای خرید تخم های اصلاح شده و کود کیمیایی و اجناس بهتر مواشی از طریق اعطای قرضه ها و تأسیس کوپراتیف ها اقدامات مملکت شمول صورت نگرفت.

۴- معارف:

جنبشی در این ساحه پدیدار گشت و توجه در جهت توسعه کمی مبذول ولی ارقام نادرست پخش شد و گفته شد که ۱۱ میلیون شاگرد شامل مکتب است و دو سال پیش گفتند غلط کردیم در حقیقت ۶ میلیون است و فساد گسترده در این ساحه مستولی بوده در بودجه اعمار مکتب نشان داده شده که اصلاً مکتب ساخته نشده و یا مکتبی به مصرف چند میلیون دالر ساخته شده که بعد از چند برف و باران منهدم شده. هر ولایت برای چندین هزار معلم تخصیصیه گرفته که اصلاً معلمی وجود نداشته و تا هنوز بسی مکاتب چوکی و میز ندارد و شگردان روی زمین می نشینند وی مکتب نیست و اطفال زیر خیمه درس می خوانند. در این بخش اختلاس فساد بی حد بوده.

۵- طب:

در مملکتی به شرائط افغانستان خصوصی ساختن طبابت یک خیانت بزرگ بود امروز طبابت غیر معیاری با کیفیت پائین اکثریت مردم را مجبور می سازد که برای تداوی امراض ساده با قرض و وام پاکستان و هندوستان بروند. داکتر، لابراتوار و درملتون مافیای طبابت را تشکیل داده. اثر و خبری از اعمار کدام شفاخانه عصری در مرکز و ولایات نیست. شفاخانه قدیم جمهوریت که به کمک چین فعال شد بنا بر نواقص تعمیراتی و تخنیک بار ها مسدود شد.

اهالی قریه ها و قصبات به وسائل طبی دسترسی ندارند. هر ولایت بر اساس سیالداری فاکولته طب ساخت که به فقدان اساتید مجرب، لابراتوار و مواد درسی مبتلا اند و فارغان حد اقل اهلیت یک طبیب را ندارند.

۶- معادن:

معادن افغانستان در استثمار زورمندان و گروه های تفنگدار بوده به صورت غیر فنی استخراج و به خارج صادر می گردد. دولت توان نظارت و منع چنین بهره برداری های غیر قانونی را نداشته و خود قادر به بهره برداری منابع قیمت بهای مواد کمیاب در افغانستان نشده و معدنی را استخراج نه نموده. با گذشت ۱۵ سال تا حال سرنوشت معدن مس عینک معلوم نبوده و راپور اجراءات استخراج گاز و نفت شمال که مطلقاً معلوم و موجود است در دست نیست.

۷- خدمات اجتماعی:

احصائیه رسمی دولت تعداد بیکاران را بیش از ۴۰٪ نشان و ۵۰٪ نفوس نظر به معیار های بین المللی تحت خط فقر زیست دارند. در این شرائط برای بلند بردن سطح استخدام و خلق عاید و چرخش اقتصاد، اگر اندیشه بهبود حال مردم وجود داشته باشد، روی دست گرفتن پروژه هایی است که با استخدام کارگر زیاد با کم ترین استفاده از وسائل تخنیکی است مثلاً اعمار سرک های فرعی، تصفیه و پاک کاری شبکه های آبیاری و اعمار پارک ها و تنظیفات شهر ها و غرس نهال و سرسبزی و غیره.

۸- انرژی:

به استثنای تکمیل بند آبیاری و تولید برق سلما که میراث قدیم بود من از احداث کدام بند آبیاری و تولید برق در سرتاسر مملکت اطلاع ندارم و اکثریت از انرژی برق محروم اند. یگانه دست آورد دوره کار کرزی اعمار برق حرارتی «حوت خیل» بود که در محاسبه مصرف دیزل اشتباه بزرگ توسط یک متخصص هندی صورت گرفته و مصرف دیزل جنراتور نه تول انگور بوده و قیمت هر کلیوات برق تولید این دستگاه از تصور بالا بود و دستگاه متوقف شد. پایتخت آب صحی کافی آشامیدنی ندارد.

از اقدامات حکومت کرزی و حکومت فعلی در احیای بند ماهی پر و نغلو، درونته، جبل سراج و چک وردک معلومات در دست نیست. و این که توربین پنجم بند کجکی نصب و شبکه انتقال برق تکمیل شد چیزی نمی دانم. خلص کلام، هموطن نازنینی که ترا دارم، به جز خیانت خدمتی در این وطن با مد نظر داشت منابع مالی و ده ها کنفرانس بین المللی صورت نگرفت.

۹- آرزومندی:

هر کسی را آرزویی است و پروراندن آن در دل گناه نیست، مرا هم آرزویی است که شاید در زندگی ام برآورده نشود، که اگر یک زعامت ملی ایجاد و زعیم را بیست نفر مرد وطن پرست، خردمند با اهل و با کفایت در کنار باشد یک محکمه عالی قضایی تحت ریاست قاضی القضاات مسؤل و با وجدان دائر و ده نفر افغان حقوق دان مجرب را از داخل و خارج به حیث خرنوالان تعیین و کرزی و اراکین ملکی و نظامی اش را محاکمه عدلی نماید باز پرس آن صورت گیرد که چه داشتی؟ و حالا چه داری؟ و از کجا کردی؟

پایان